برگرفته از پژوهش و سنجشی از ع. حجازی – دیماه ۱۳۹۱ / دسامبر ۲۰۱۲

آفرین جان آفرین پاک را آنکه جان بخشید و ایمان خاک را

دام تن را مختلف احوال کرد مرغ جان را خاک در دنبال کرد

(عطار نیشابوری)

در جستجوی ریشه های فلسفی و عرفانی کونگ فو توآ

۱

در باره نام سیمرغ

آن کس که دلی خوش به جهان آورده ست

از خانهٔ سیمرغ نشان آورده ست



در باره نام سیمرغ پژوهش های زیادی انجام شده ومنابع زیادی در دست می باشد که برای دوری از وارد شدن به بحث زبانشناسی فقط به این اشاره می کنیم که پیشینه ی سیمرغ را باید در دوران ایران باستان جست. واژه سیمرغ در اوستا " مرغو سئن " و در زبان باستانی ایران یعنی زبان پهلوی " سین . مرغ " و"سن موروک" نیز گفته شده که " سین " در فارسی دری به سی دگر گشته و هیچ به چم عدد سی نمی باشد بلکه به چم شاهین است . آنچه از اوستا و آثار پهلوی بر می‌آید، سیمرغ بایستی مرغی فراخ بال باشد که بر درختی درمان بخش به نام «ویسپوبیش» یا «هرویسپ تخمک» که در بردارندهٔ تخمهٔ همهٔ گیاهان است، آشیان دارد. در اوستا اشاره شده که این درخت در در دریای «وروکاشاً» یا « فراخکرت» قرار دارد.

در زمان ساسانیان نیز سیمرغ نشان شاهنشاهی آن سلسله بوده و نگاره ای است از پرنده ای پندارین با تنی مانند عقاب ، پنجه های شیر، سری مانند سگ و دمی مانند طاووس .

پس از دوران ساسانیان واژه ی سیمرغ در شاهنامه فردوسی بکار گرفته شده است.

سیمرغ در شاهنامه فردوسی دو چهره متفاوت دارد. یکی چهره ی نیک یزدانی (در داستان زال) و دیگر چهره ی پلید اهریمنی (در داستان هفت خان اسفندیار که بی شباهت به هفت خان رستم نیست)

اگرچه چیزی که نشاندهنده صفات اهریمنی آن باشد در شاهنامه مشاهده نگردیده است و سیمرغ در داستان اسفندیار فقط مرغ اژدهایی محسوب می گردد که فاقد صفات نیک سیمرغ در داستان زال بوده و در خان پنجم بدست او کشته می شود.

داستانهای شاهنامه ، این شاهکار حماسی و ملی آنچنان دلنشین و افتخار بر انگیزند که رواج و نقل سینه به سینه آنها در بین همگان نه تنها حس میهن پرستی ایرانیان را بر انگیخته بلکه کارایی آن بویژه در آموزش و پرورش کودکان و هنایش آن درسروده ها و فرهنگ و تاریخ ایران و غیره آنچنان چشمگیر است که عرفان و تصوف در ایران نیز از آن بی بهره نمانده ند و بسیاری از مهره ها و پهلوانهای پندارین و راستین شاهنامه جایگاهی نمادین و نهانی در عرفان ایرانی می یابند.

پس از شاهنامه فردوسی ، از سیمرغ و ویژگی های او در کتابهای دیگری مانند رسالت الطیر ابن سینا و رسالت الطیر احمد غزالی و غیره نام برده شده است که مهم ترین آن ها منطق الطیر (زبان پرندگان) عطار نیشابوری می باشد که یارومه در آثار خویش نه تنها آشکارا به آن اشاره می کنند بلکه آنطور که گفته شده بارها در همایش های مختلف از آن سخن رانده اند .

در ادامه ، جای پای سیمرغ عطارنیشابوری درفلسفه ی توآ را دنبال خواهیم نمود.

ادامه دارد...